

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباوویچ

ربی مناخیم مندل شیرسون

ترجمه کتاب Torah studies

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

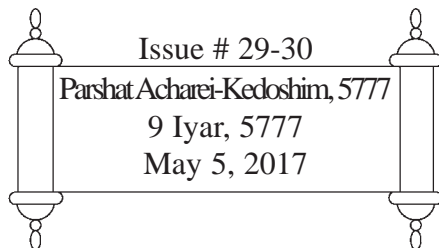
ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:
Mr. Parviz Mojdehi

*

Reprinted with permission by:
Chabad Persian Youth
&
Moshiach Awareness Center



Friday, May 5, Light Shabbat Candles, by 7:22 p.m.
Saturday, May 6, Shabbat ends at 8:26 p.m.
(Times are for Los Angeles)

خداوند بستگی دارند. وقتی که او با چشمان خود می بیند که بخاطر برکت خداوند زمین محصولش بسیار زیاد شده است و وقتی او بخاطر اینها خداوند را تمجید کرده و از او تشکر می کند آنوقت است که او "تو" یعنی وجود خداوند که "مقدس" و بی نهایت است را پائین می آورد که "در این جهان ساکن بشود" و این جهان محل سکونت او میشود. به این طریق او تمامی هستی و کائنات را بسوی انجام هدف اصلی شان می کشاند.

(منبع لیکوتی سیخوت جلد هفتم صفحه ۱۳۴ الی ۱۳۸).
(Source: Likkutei Sichot, Vol. 7, pp. 134-138)

This week's issue is sponsored in part by:

B"H

YOSEF Y. SHAGALOV

Traveling Notary Public & Home Signing Agent

Member: National Notary Association

Cell Phone: (323) 934-7095 • Fax: (323) 934-7092

E-mail: yys770@aol.com

"For All Your Notary Needs - At *Your* Location"

Reprinted with permission by:

CPY

Chabad Persian Youth

9022 W Pico Boulevard.

Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358

Fax: (310) 777-0357

<http://www.cpycenter.org>

e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

Rabbi Hertzal Peer, Executive Director

&

Moshiach Awareness Center,

a Project of:

Enlightenment For The Blind, Inc.

602 North Orange Drive.

Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092

<http://www.torah4blind.org>

e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

جواب آن است که هدف از تمامی آفرینش هستی و کائنات آن است که "محل سکونتی برای خداوند در دنیاهای پائین درست بشود".^۶ این جهان باید بصورتی تغییر شکل بیابد که مناسب سکونت خداوند بشود.

این محل سکونت چگونه درست می شود؟ اولین قدم صرفاً مطالعه تورا و تشکر از خداوند بخاطر فراهم کردن فرصت و شرایط برای انسان که بتواند تورا را مطالعه بکند نمی باشد. در مطالعه تورا آن روح الهی یک فرد یهودی یعنی بالاترین قسمت طبیعت او شرکت می کند. اما تشکر و مدح و ستایش از خداوند بخاطر غذا - پول - سلامتی و غیره شامل مقدس کردن وجود و خواسته های مادی و فیزیکی انسان هم میشود. زمانی که یک فرد یهودی حتی اینها را هم به عنوان یک هدیه از جانب خداوند می انگارد آنوقت است که او واقعا وجود خداوند را در دنیاهای پائین قبول کرده است.^۷

به همین علت است که زمانی که بعل شمطو ربای پیر را که در انزوا نشسته و خود را از مسائل دنیوی کنار کشیده بود نسبت به سلامتی خود و نسبت به دنیای مادی بی علاقه دید به او گفت "چرا روزی خداوند را نمی دهی؟" چرا که قصد و خواسته الهی آن است که دقیقا در همان دنیایی سکونت کند که ربای پیر به آن علاقه ندارد و آنرا ترک کرده است. به همین علت است که او به ربای پیر گفت که خداوند در این دنیا زندگی می کند که برای بیسرائل ها زندگی و سلامتی فراهم کند و بیسرائل ها هم بخاطر آن می بایست او را تمجید کرده و از او تشکر کنند. این مطلب به او این حق را میداد که حتی مطالعه تورا، ربای پیر را هم قطع کند.^۸ چرا که بدون این تشکر و تمجید، این مطالعه تورا هم ناقص می بود. بخاطر آنکه "هرکس که بگوید من هیچ کاری بجز مطالعه تورا ندارم حتی این تورا هم از او گرفته می شود".^۹

۴- آوردن میوه ها و تشکر از خداوند

در پرتودرسی که از این داستان می گیریم می توانیم درک کنیم که چرا با ارزش ترین میوه ها متعلق به سال چهارم نبوده بلکه به سال پنجم متعلق است حتی اگرچه این میوه ها مقدس خوانده شده و می بایست در یروشالیم خورده شوند. وقتی که یک فرد یهودی این مطلب را درک می کند که حتی وجود میوه ها که چیز مقدسی نیستند به برکت

اخری موت

پاراشای اَخری موت با توضیح چگونگی مرگ پسران اهرن ناداو و اویهو شروع میشود. مرگ آنها که در پاراشای شמיینی نیز از آن سخن گفته شده است موضوع مرموزست برای آنکه از یک طرف بنظر میرسد که مرگ آنها در واقع نوعی تنبیه برای گناهشان بوده است و از طرف دیگر در میدراش سخن از سطح معنوی بسیار بسیار بالای این افراد می کند و حتی عنوان میشود که آنها از مُشه و اهرن هم در سطح معنوی بالاتری بودند. این دو تفسیر از شخصیت آنها با هم متضاد بنظر میرسند؟ آیا ما می توانیم این دو تعبیر را با هم سازش دهیم؟ در حاسیدوت آمده است که آنها بخاطر آنکه به درجات بسیار بالای عشق عرفانی نسبت به خداوند رسیدند روح آنها بدنشان را ترک کرد. آیا رسیدن به چنین عشق و علاقه عرفانی نسبت به خداوند امری اشتباه است؟ آنچه که اشتباه بود آن بود که آنها به بهای ترک زندگی شان از این دنیا به چنین عشق و علاقه عرفانی رسیده بودند. حرکت آنها بسوی مقام های بالای روحانی بدون قصد برگشت به این جهان انجام شد. این است که یک فرد یهودی زمانی که به اوج عرفان الهی نیز میرسد همواره باید به این جهان برگشت کند چرا که او در این جهان دارای وظیفه ایست و آن این است که او باید این جهان را مقدس کند و نه این که آنرا از وجود خود محروم کند. این حالت ترک و برگشت تجربه و عمل از موضوعات اساسی در فلسفه یهود و موضوع مورد بحث در این پاراشا می باشد.

۱- مرگ ناداو و اویهو

پاراشای این هفته با پاسوق "بعد از فوت دو پسران اهرن که هنگام نزدیک شدنشان به حضور خداوند مردند"، شروع می شود. اولین سؤال در آخرین کلمات این پاسوق است و آن اینکه چرا تورا می گوید که "آنها مردند" مگر نه اینکه در ابتدای پاسوق آمده است که "بعد از فوت دو پسران اهرن"؟

میدراش در توضیح علل مرگ آنان این دلایل را ذکر می کند:

- ۱- آنها وارد قدش قداشیم شدند.^۱
- ۲- آنها لباس های مخصوص کهنیم را که برای چنین عبادتی لازم بود به تن داشته باشند را نپوشیده بودند.^۲

۱- تورت کوهنیم اَخری و ویتقرا ربا ۲۰۰۸، بمیدبار ربا ۲۳-۲، تنخوما اَخری فصل ۶

۲- ویتقرا ربا - تنخوما

۶- میدراش تنخوما - ناسور فصل ۱۶

۷- تنیا بخش اول فصل ۳۷

۸- شولخان آروخ هاراو - هیلخوت تلمود تورا ۳-۴

۹- یواموت ۱۰۹ ب

۳- و آنها از دواج نکرده بودند.

۴- و آنها دارای فرزند نبودند .

حالا دومین سؤال ما ایجاد می شود که منبع میدراش در عنوان دلایل بالا کدام است؟ و در کدام قسمت از تورا، به این چهار علت و یا چهار خطا اشاره شده است؟ علاوه بر این چگونه ما می توانیم تصور بکنیم که آنها گناهکار بوده اند؟ ربانیم می گویند^۳ مشه به اهرن اینگونه می گفت که "برادرم اهرن، من میدانم که میشکان بوسیله آنهاهی که خداوند آنها را دوست دارد و به خداوند نزدیک هستند مقدس می شود. حالا من می بینم که آنها (ناداو و اوی هو) از نظر روحانی بالاتر از هر دو ما هستند". اگر اینگونه بوده است پس چگونه این دونفر می توانستند گناه بکنند.

۲- عرفان مرگ آور

در فلسفه حاسیدوت آمده است^۴ که پسران اهرن به آن معنا که ما فکر می کنیم گناه نکرده اند بلکه گناه آنان آن بود که آنها اجازه دادند میزان عشق شان به نزدیک شدن به خداوند به آنچنان حد و مرزی برسد که موجبات مرگ آنها را فراهم کند. به عبارت دیگر جسم آنها، وجود فیزیکی شان دیگر تحمل نگاهداری روحشان را نداشت. برای همین تورا می گوید "در نزدیک شدنشان به حضور خداوند (با این چنین عشقی) مردند." و این عمل برای آنها به عنوان گناه حساب شده است چرا؟ برای آنکه اگر چه یک فرد یهودی باید وجودش را از علائق مادی، در زمانی که روح او به درجه عشق معنوی نسبت به خداوند رسیده است، خالی کند^۵ با این حال او می بایست دوباره به وظیفه ای که روح او می بایست در درون وجود مادی و فیزیکی انجام دهد، برگردد.

در پیرکی آوت آمده است که تو^۶ "بر خلاف میل ات زندگی می کنی". وظیفه انسان در این جهان ایجاد محل سکونت برای خداوند در این دنیا می باشد و این برخلاف خواسته روح انسان است که همواره می خواهد بالاتر از دنیا برود و ترک این دنیا را بکند. ناداو و اویهو به یک چنین لذت و مقام روحانی رسیدند ولی از این حالت و مقام برگشت نکردند^۷ و این گناه آنان و علت مرگشان بود. "آنها هنگام نزدیک شدنشان به خداوند مردند". آنها به خودشان

۳- تورت کوهنیم، شمینی، زواخیم ۱۱۵ ب. راشی وبقرا ۱۰-۳ ۴- معمر اخری موت ۵۶۴۹

۵- شولخان آروخ هاراو - اورخ ختیم فصل ۹۸ هیلخوت تلمود تورا ۴-۵

۶- پایان فصل چهارم تنیا. قسمت اول پایان فصل ۵۰

۷- میدراش تنخوما، ناسوفصل ۱۶. تنیا قسمت اول فصل ۳۶

قرار داشت شد طبق معمول از ربای پیر احوال پرسی کرد و وضع زندگیش را پرسید. ربای پیر چشمانش را بلند نکرد که حتی به او نگاه کند او دوباره احوالپرسی کرد تا آنکه ربای عصبانی شده و اشاره کرد که او می بایست از اطاق بیرون برود. بعل شمطو به او گفت "ربی چرا آنطور که معمول است تو روزی خداوند را نمی دهی"^۵ وقتی که ربای پیر این مطلب را شنید کاملاً گیج و متحیر شد یک دهاتی در مقابل او ایستاده و صحبت از خداوند و نیاز به این که به خداوند روزی بدهند می کند!!!

بعل شمطو افکار او را خوانده و گفت بیسرائل ها بوسیله روزی ای که خداوند برای آنها تامین می کند زندگی می کنند اما چه چیزی روزی خداوند را تامین می کند که او در این جهان ساکن بشود؟ جواب همان است که داوید هملخ در تهیلیم ۲۲ گفته است. "تو مقدس هستی و در تمجیدها و تشکرهای بنی بیسرائل سکونت داری". تو یعنی ای صاحب تمامی دنیا مقدس هستی یعنی "تو جدا از دنیا هستی". پس بنابراین چه عاملی باعث می شود که تو در این دنیا ساکن شوی؟ اینکه در اینجا روزی داشته باشی. و روزی تو چیست؟ تمجیدها و تشکرهای بنی بیسرائل. روزی خداوند بوسیله تمجیدها و تشکرهایی که بیسرائل ها می گویند تامین می شود. تشکرها و تمجیدهایی که برای سلامتی و برای روزی شان که از خداوند دریافت می کنند. و بخاطر این تمجیدها خداوند برای آنها، ثروت، فرزند، سلامتی و همه چیز را بصورت فراوان تأمین می کند.

۳- محل سکونت

درک این گفته بعل شمطو ساده نمی باشد. این حقیقتی است که خداوند که مقدس است بخاطر عبادت بیسرائل ها در این دنیا ساکن شده است. ولی آیا آموختن تورا قسمتی از این عبادت نیست؟ مطمئناً که آموختن تورا هم باعث حضور خداوند در این جهان می شود. و این ربای پیر هم در آن زمان که بعل شمطو جویای حال او شده بود در حال خواندن تورا و یا به عبارت دیگر مدح و ستایش خداوند بود؟ و حتی اگر فکر کنیم که این تشکر و تمجید بنی بیسرائل است که باعث سکونت خداوند در این جهان میشود و نه خواندن تورا. آیا بعل شمطو نمی توانست تشخیص بدهد که این ربای پیر در حال تشکر از خداوند است چرا که برای او این موقعیت را فراهم آورده است که در تهایی تورا بخواند؟ پس چرا بعل شمطو اصرار دارد که از ربای پیر احوال پرسی کند و می خواهد که ربای جواب او را بدهد؟

۵- همان مرجع فصل ۲- توضیح شیر هشیریم ربا ۱-۹

مطابقت با پنج عالم روحانی و یا پنج بُعد روحانیت می کند . ۲ اولین سه سالی که استفاده از میوه ها ممنوع شده است در مقابل سه مراحل پائین تر (عسیا، یتصیرا، ویریا، یا ابعاد عمل، شکل گیری و خلقت) قرار می گیرد که در این مراحل امکان، گناه، جدایی و خطا وجود دارد. سال چهارم در مقابل بُعد عصیلت (ایجاد) قرار می گیرد که در این مرحله همه چیز در حالت تقدس است و هیچ چیز جدا از خداوند نیست . ۳ . بخاطر همین موضوع میوه های این سال برای تشکر از خداوند مقدس خوانده شده اند . اما میوه های سال پنجم در مرحله بالا تری قرار دارد. مرحله ای که "کتر" خوانده می شود. میوه های این سال مهمترین و با ارزش ترین میوه ها می باشد چرا که همانطور که می بینیم تمامی هدف دستورات مربوط به چهار سال اولیه درختان بخاطر میوه های سال پنجم می باشد.

به این ترتیب چرا میوه های سال چهارم مقدس خوانده شده است؟ چرا فقط کسی که ظاهر و پاک است می تواند آنرا بخورد و چرا فقط در یروشالیم؟ چرا هیچیک از این موارد در مورد میوه های سال پنجم صادق نیست و هر کس در هر کجا می تواند آنها را بخورد .

۲- بعل شمطو و ربای پیر

برای جواب به این سئوالات ما می بایست با داستانی از بعل شمطو شروع کنیم؟^۴ در آن زمان که او هنوز به عنوان رهبر جنبش حسیدوت شناخته نشده و با لباس ساده و معمولی از این دهکده و شهرک به دهکده و شهرک دیگری میرفت. عادت معمول او این بود که به هر فرد بیسرائلی برخورد میکرد از او احوالپرسی کرده و از وضع زندگی و کارش می پرسید. یکی از بزرگترین لذت های او شنیدن جواب مردم به احوالپرسی او بود که هر کدام از درون قلبشان جواب میدادند که "باروخ هشم" خدا را شکر.

یک روز او به شهرکی رسید و طبق معمول جویای حال و احوال مردم شد. هدف او آن بود که به این طریق مردم مدح و ستایش خداوند را بگویند. در این شهرک ربای بسیار پیری زندگی میکرد که خود را از این دنیا جدا کرده و برای بیش از پنجاه سال روز و شب مشغول مطالعه تورابود. او که از صبح تا شب با صیصیت و تفیلین مشغول خواندن تورابود. روزها هیچ چیز نمی خورد و فقط شب ها موقع تفیلا ی شب کمی نان و آب می خورد.

وقتی که بعل شمطو که در آن روزها لباس کشاورزان را می پوشید وارد اطاق او که در کنار کنیسا

این اجازه را دادند که عشق روحانی شان به آنچنان درجه بالایی برسد، بالا تر از وظیفه شان در این جهان تا آنجا که این وظیفه را فراموش کردند.

در واقع دلایلی را که میدراش در مورد مرگ آنها ذکر میکند اشاره ای است به این عمل اشتباه آنها. دلیل اول که می گوید آنها وارد قدش قداشیم شدند به معنای آن است که آنها وارد عمیق ترین و درونی ترین حالت های روحانی شدند. آنها بدون آنکه فکر کنند که چگونه می بایست از این حالات به دنیای خارج برگشت کنند وارد این حالت های روحانی شدند و دلیل دوم که می گوید آنها لباس های مخصوص کهنیم را به تن نداشتند اشاره به آن می کند که هدف آنها آن بود که خودشان را از مسائل دنیوی خالی کنند و کاملا روحانی بشوند . و آنها لباس لازم را برای این کار نپوشیده بودند. لباسی که کلام خداوند سمبل آن است^۵ یعنی میصوت یعنی اعمال فیزیکی که محیط زندگی مادی را مقدس می کند.

دلیل سوم و چهارم که می گوید آنها دارای فرزند نبوده و ازدواج نکرده بودند اشاره به آن می کند که آنها نه تنها دستور خداوند را که می گوید "بارور شوید و زیاد شوید" را انجام نداده بودند که انسان های دیگری را در این دنیا بوجود بیاورند بلکه برعکس آنها دنیا را از وجود خودشان هم محروم کردند.

تمامی اشتباه آنها از یک برداشت نادرست نتیجه میشد و آن اینکه فرد یهودی به وسیله ترک دنیا و نه داخل شدن در دنیا به خداوند نزدیک می شود. در واقع هر دو این برداشت ها (ترک دنیا و داخل شدن به دنیا برای نزدیکی به خداوند لازم است) و به همین علت است که در روز کبیور وقتی که ما سعی می کنیم از وضعیت و شرایط دنیای مادی خود خارج شویم در موقع خواندن توره این قسمت از پراشای "آخری موت" را می خوانیم که وظیفه ما در این دنیا به ما یاد آوری بشود.

۳- ورود و خروج

راشی در توضیح پاسوق^۶ و در هر زمانی وارد محل مقدس نشو... به این ترتیب اهرون وارد محل مقدس بشود^۷ که درست بعد از فوت پسران اهرون آمده است، می گوید که در این پاسوق خداوند به اهرون اخطار می کند که نوع عبادت او نمی بایست همچون نوع عبادت پسرانش باشد. در این جا سئوالی مطرح می شود و آن اینکه آیا واقعا ما می توانیم از شخصی که در حال اوج لذت روحانی است بخواهیم که دوباره به وضعیت مادی خود برگردد؟ آیا در زمانی که تجربه او از این

حالت که یک تجربه اصیل و واقعی می باشد و یا در زمانی که او به چنان عشقی نسبت به خداوند رسیده است که با تمامی وجود و هستی خود^{۱۰} او را می پرستد و تمامی سدها و مرزهای جدایی مابین انسان و خدا را شکسته است، در این لحظه وحدت، ما می توانیم از او بخواهیم که خودش را کنترل کند و دوباره خودش را در چهارچوب و زندان وضعیت انسانی خود قرار بدهد؟ آیا این عمل یک ناتوانی احساسی در اینار کامل انسان در راه خدا ایجاد نمی کند و آیا این عمل این احساس را ایجاد نمی کند که انسان همواره باید مراقب باشد که بیش از اندازه نزدیک نشود. جواب در این است که چگونه انسان این سیر و سفر روحانی را شروع می کند. اگر قصد و هدف اولیه آن است که خواسته های خود را هر اندازه که این خواسته ها روحانی باشد، ارضاء کند، این شخص تمایلی به برگشت از این لذت روحانی به طرف انجام دادن هدف خود در این دنیا را نخواهد داشت. اما چنانچه او این سیر و سیاحت روحانی را در اطاعت از فرمان خداوند که "دوست بدار خدای خالقت را با تمامی هستی ات" و بادانش اینکه خداوند این دنیا را آفریده است که از "انسانها پر بشود".^{۱۱} شروع بکند با همین لذت و عشق و درحال همین نزدیکی روحانی و عرفانی بسوی خداوند این خواسته برگشت به دنیا و مقدس کردن آن همواره در این سیر و سیاحت موجود خواهد بود.

داستان بسیار معروفی در تلمود وجود دارد^{۱۲} از اینقرار که "چهار نفر وارد دنیای رموز عرفانی توراً "گرو" شدند. بن عزّی، بن زوما، الیشا آخر و ربی عقیوا. بن عزّی نگاه کرد و مُرد. بن زوما نگاه کرد و ضربه دید (دیوانه شد) الیشا آخر بدرستی برداشت نکرد (کافر شد)، ربی عقیوا به سلامت وارد شد و به سلامت برگشت".

ظاهراً اینطور بنظر میرسد که تفاوت مهم ربی عقیوا و سه نفر دیگر در این است که چگونه او از این دنیای رموز عرفانی برگشت. اگر اینطور است پس چرا تلمود تاکید بر این می کند که او چگونه وارد این دنیا شد؟

جواب آن است که چگونگی ورود چهار نفر به این جهان عرفانی تعیین کننده آن است که آنها چگونه از این جهان عرفانی برگشت کرده اند. هدف بن عزّی رسیدن به لذت روحانی بود و نه برگشت به این دنیا، بنابراین او نگاه کرد و مُرد (جالب است که تمامی عبادت او و افکار او این خواسته ترک کردن دنیا را تشویق می کند)^{۱۱}

۹-یشعیا ۱۸-۴۵ ۱۰-خگیگا ۱۴ ب

۱۱-یویا موت ۶۳ ب - سوتا ۴ ب - شولخان آروخ هاراو هیلخوت تلمود توراً آغاز فصل ۳

قدوشیم

در نوزدهمین فصل کتاب وییقرا که شامل اساسی ترین اصول توراً می باشد. قوانین مربوط به میوه های درختان آمده است. استفاده از میوه های سه سال اول زندگی درخت (أورلا) ممنوع شده است. میوه های سال چهارم به عنوان مقدس کنار گذاشته میشود و می بایست یا در یروشالئیم خورده شود و یا عوض آن در یروشالئیم مصرف شود. ولی میوه های سال پنجم بطور معمولی خورده میشوند و توراً به ما میگوید که این میوه ها بسیار مخصوص هستند چرا که پاداشی برای حفظ آن چهار سال گذشته می باشند. این مبحث با این سوال شروع میشود که اگر میوه های سال پنجم پاداش و هدف این قوانین است پس چرا میوه های سال چهارم مقدس خوانده شده است؟ و برای شکر از درگاه الهی انتخاب شده اند؟ و این موضوع را با مقایسه میوه های سال پنجم و پنج مرحله روحانیت و بوسیله عنوان این مطلب که مرحله ای از تقدس وجود دارد که حتی بالاتر از تقدس میوه های سال چهارم است حل می کند. و این مطلب مهمی در فلسفه حاسیدوت فلسفه ای که می گوید که در ورای مرحله تقدس که شامل ترک و جدایی از این زندگی مادی می باشد مرحله وجود دارد که شامل یگانگی با خداوند در خود این زندگی مادی و در این جهان است، می باشد

۱- میوه های سال پنجم

"و از سال پنجم تو می توانی میوه هایش را بخوری تا حاصلش را برای شما افزایش دهد. من خدای خالق شما هستم"^۱ این جمله اشاره به عدم خوردن از میوه های درختان در سه سال اولیه زندگی درخت و آوردن میوه های سال چهارم به یروشالئیم می کند. پاسوق توراً که میگوید "تا حاصلش را برای شما افزایش دهد" نشان دهنده آن است که هدف از حفظ قوانین توراً در چهار سال اول آن است که در سال پنجم افزایش زیادی در محصول حاصل بشود.

راشی توضیح بسیار ساده ای میدهد و با اشاره به میدراش می گوید "رَبی عقیوا همیشه می گفت که توراً عمداً اینگونه این مطلب را به ما گفته است برای آنکه امیال بد انسان که همواره در ذهن اوست میباید به انسان بگوید که "چهار سال من برای هیچ زحمت کشیدم" بنابراین توراً می گوید بخاطر اینکه تو از قانون من اطاعت کردی زمین به مقدار بسیار زیادتری محصول میدهد."

با این حال ما میتوانیم این پاسوق را در سطح عمیق تری درک کنیم. پنج سال میوه درختان

بلکه دنیای مادی را هم در بر می گیرد. چرا که همه آنچه که فرد یهودی چه مادی و چه معنوی احتیاج دارد همگی از طرف خداوند فراهم می شود. "اگر به قوانین من رفتار کنید و فرمان هایم را ننگه بدارید و انجام دهید باران شما را به موقع اش خواهم داد و زمین محصولش را خواهد داد." و تنها از طریق پیوند بیسرائل با خداوند است که او می تواند نیازهای مادی اش را فراهم کند. آن شخص که می گوید "برای من خوبی خواهد بود" و من برحسب خواسته های دلم رفتار می کنم "همواره و همیشه در نهایت اشتباه می کند.

و این مطلبی است که در این پاراشا به آن اشاره شده است. بعد از آن که کوهن گادول وارد قُدش قُدشیم می شد برای رفع نیازهای مادی مردم و تامین آنها دعا می کرد.

بنابراین دنیای بزرگی که فرد یهودی در آن زندگی می کند و دنیای کوچک و خصوصی که فرد یهودی در درون خود از تجربیات مذهبی دارد بطور ذاتی و درونی با هم مربوط هستند. به این طریق که اگر او این تجربه اش را وارد دنیای مادی بکند جهان به وسیله انسان مقدس و بوسیله خداوند برکت می شود.

(منبع، لیکوتی سیخوت جلد سوم صفحه ۹۸۷ الی ۹۹۳)
(Source: Likkutei Sichot, Vol. 3, pp. 987-993)

۱۶- ویقرا ۲۶:۴-۱۷- رجوع شود به معمر ۱۰- کونترس اومعیان

**To Place Your Advert
Here:
call (323) 934-7095**

اما ربی عقیوا سلامت وارد دنیای اطاعت از خواسته های الهی شد هدفش آن بود که مابین دنیای مادی و معنوی وحدت و همبستگی ایجاد نماید. و به همین علت بود که او سلامت برگشت در ابتدای آغاز این سیر و سیاحت روحانی قصد و هدف او بازگشت و برگشت بود. به همین علت نیز اهرن می بایست با ترس، با اطاعت و با از خودگذشتگی وارد "قُدش قُدشیم" می شد. و به این ترتیب او می توانست گناهان خودش و خانواده اش را کفاره^{۱۲} کند. و برای تامین زندگی مادی بنی بیسرائل دعا کند^{۱۳} که هرکدام از آنها نشان دهنده توجه داشتن نسبت به مسائل مادی این دنیا می باشد.

۴- تجربه و عمل

تمامی مطالب تورا برای هر فرد یهودی نه فقط برای برخی معدود، درسی با خود دارند. بنابراین درس زندگی ناداو و اوپهو برای ما چیست؟^{۱۴} مطمئنا اینطور نیست که هرکسی بتواند وارد آنچنان عرفان الهی بشود که جانش بخطر بیافتد. تعداد بسیار کمی وجود دارند که احتیاج دارند که در این مورد به آنها گوشزد بشود بنابراین این موضوع برای مردم عادی چه پند و اندرز در بردارد؟

لحظه ها و زمان هایی اگر چه بسیار کوتاه، در زندگی هر فرد یهودی عادی وجود دارد که او نوعی بیداری مذهبی و روحانی را یا در شبات، یا در موعیدیم، یا در ده روز تشووا^{۱۵} و یا در روش هشانا و روز کیپور، تجربه می کند. او ممکن است برای زمانی کوتاه از مسائل زندگی روزمره و نگرانی های آن خارج شده و از نظر درونی به ورای محدودیت های فکری خود برسد. درست در این لحظات و مواقع است که او می بایست بداند که آنچه را که او از این حالت تقدس تجربه می کند، را می بایست با خود به دنیای زندگی روزمره بیاورد. او نمی بایست این حالت روحانی را صرفا برای تجربه کردن بخواهد بلکه برای برگشت کردن و استفاده کردن از آن در زندگی روزانه یک تجربه مذهبی نمی بایست فقط در خاطره انسان باقی بماند بلکه می بایست به صورت عملی در زندگی روزانه انسان پیاده بشود. مانند ربی عقیوا او می بایست سلامت وارد و خارج شود به این معنا که خداوند و جهان را با هماهنگی بیشتری به یکدیگر نزدیک کند.

۵- برکت خداوند

این روش ورود و خروج به دنیای تقدس نه فقط مربوط به نوع عبادت شخص یهودی می شود

۱۲- ویقرا ۶-۱۶- آغاز مسخت یووما
۱۳- یووما ۵۳ ب
۱۴- زوهر بخش ۳ ۵۳ ب
۱۵- روش هشانا ۱۸ الف